

# استیون لوکس

## روشنگری شگفت‌انگیز پرفسور کاریتا

داستانی دربارهٔ مکتب‌های سیاسی

ترجمهٔ

مانی صالحی علامه



انتشارات نیلوفر

## مقدمه

فیلسوفان می‌اندیشند و فلسفه‌بافی می‌کنند؛ داستان‌نویسان قصه می‌گویند. — انواع قصه‌ها از قصه واقع‌گرایانه گزیده تا قصه‌های خیالی باورنکردنی. فیلسوفان نوعاً گمان می‌کنند اندیشه جدی به دلیل و برهان بستگی دارد. شیوه استدلال آن‌ها فرق می‌کند: سنت‌های فلسفی مختلف بر سر چگونگی استدلال درست با هم اختلاف نظر دارند. اما اغلب‌شان با این دیدگاه کلی موافقند که داستان‌گویی روش و گونه متفاوتی است که در حوزه ادبیات جای دارد. و به واقع بعضی فیلسوفان مثل استنلی کاول<sup>۱</sup> و مارتا نوسبام<sup>۲</sup> مطالب قابل قبول و متقاعدکننده‌ای درباره داستان تخیلی نوشته‌اند. البته ما احترام زیادی برای داستان‌نویسان قایلیم: جوایز نوبل به آن‌ها می‌دهیم و با نقدها و نظریه‌ها از آن‌ها استقبال می‌کنیم. قبول داریم که داستان تخیلی می‌تواند به حقایقی برسد که [در فلسفه] دسترس‌ناپذیر است و می‌تواند آن حقایق را به شیوه‌هایی بیان کند و انتقال دهد که در اختیار فیلسوفان جدی نیست. اما دیده‌ایم که این‌گونه‌ها (ژانرها) با مرزبندی‌های مشخصی تقسیم و در فهرست کتابخانه‌ها و ناشران یا در کتابفروشی‌ها معرفی و عرضه می‌شود. چهره‌های بسیار معدودی همچون ژان پل سارتر و ایریس مرداک<sup>۳</sup> که از این مرزبندی‌ها عبور

1. Stanley Cavell

2. Martha Nussbaum

3. Iris Murdoch

## فصل اول

### بازداشت

بدترین واقعه در زمان بازداشت پرفسور نیکولاس کاریتا این بود که عینکش را شکستند و له کردند. اصلاً انتظارش را نداشت و فکرش برایش ترسناک بود. آن‌ها با تضعیف نگاه و سلطه او بر پدیدارها، سلطه خود را بر واقعیت اثبات و تقویت کردند.

نیکولاس در کتابخانه‌اش آرام نشسته بود و مطالعه می‌کرد در حالی که ردای مخمل سیاهش را که حاشیه خز سفید نقره‌ای داشت دور خودش پیچیده بود – همان ردایی که همیشه در بحث و جدل‌های شبانه‌اش با متفکران «عصر روشنگری»<sup>۱</sup> بر تن می‌کرد. دیروقت به بستر رفته و خوب ن خوابیده بود چون با توجه به سرنوشت بسیاری از دوستانش، با ناراحتی می‌دانست که روزهای آزادی برای او کم‌کم به آخر می‌رسد. اما سعی نکرده بود مخفی شود. او همیشه از دخالت در امور سیاسی اجتناب